

یکی از موضوعات در احکام اسلام، مسئله بهداشت و درمان است. با نگاهی اجمالی به رساله توضیحالمسائل، احکام و مسائل بهداشت و نظافت را از ابتدا تا انتهای رساله مشاهده می‌کنیم. مسئله مطهرات ده‌گانه، پاک‌کننده‌های شرعی، شناخت آلودگی‌ها و نجاست‌های یازده‌گانه، طهارت سه‌گانه مثل وضو و غسل و گذشتن از این مسائل، مسئله عبادت و نماز که مربوط به بهداشت روان و روزه و احکام و آداب خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و… که مربوط به بهداشت جسم و صحت و سلامتی جسم است، همگی بافت طهارت‌های ظاهری، باطنی، جسمی، روحی و معنوی انسان می‌شود، تا آنجا که گفته می‌شود رساله توضیح‌المسائل یک کتاب طبی و بهداشتی جامع است.

حضرت آیت‌الله بهجت(ره) می‌فرمودند: کسانی که عمرهای طولانی داشته و دچار بیماری‌های مختلف نشدند، به دستورات شرع مقدس اسلام عمل می‌کردند.(توصیه‌های پزشکی عارفان جلد اول صفحه ۱۰) بنابراین یک انسان با ایمان و عمل‌کننده به دستورات شرعی ذاتاً پاک است، پاک خور است و زندگی همراه با نظافت و بهداشت و به دور از آلودگی‌ها و نجاست‌ها دارد.همان‌گونه که یک انسان غیرمسلمان هر چند ظاهری فریبنده داشته باشد، اما یک زندگی آلوده به انواع نجاست‌ها را دارد و از طهارت‌های شرعی اسلامی دور است.

**مصادیق طهارت و بهداشت**

آیات و روایات فراوانی درخصوص بهداشت فردی خانوادگی و اجتماعی وارد شده که تمام مسائل مربوط به بهداشت جسم، بهداشت لباس، بهداشت دهان و دندان، بهداشت ناخن و موهای بدن، حتی مسائل مربوط به سرویس‌های بهداشتی را بیان کرده است. بدن و لباس و مکان یک انسان با ایمان که

نیز حرم‌های مطهر و شریف حرام است و اگر آلوده به نجاست شدند، تطهیر آن واجب است. حتی اگر انسان در بین نماز متوجه شد که مسجد نجس شده است در صورتی که وقت نماز توسعه دارد، واجب است نماز را بشکند و به طهارت و پاکي مسجد اقدام کند.

**ابعاد مختلف طهارت و بهداشت در اسلام**

طهارت و بهداشت در اسلام بسیار جامع و کامل و فراتر از مسائل ظاهری است و به ابعاد گوناگون جسم و روح و روان انسان و جامعه توجه دارد.

انواع طهارت در آموزه‌های دین عبارتند از:

**الف) طهارت فقهی** که مربوط به بهداشت جسمی است و مصادیق مختلف آن در بهداشت فردی، بهداشت تغذیه، بهداشت مسکن، بهداشت

محیط زیست و حتی بهداشت مربوط به نگهداری حیوانات می‌باشد.
**ب) نظافت و بهداشت اعتقادی و فکری** شامل زودن ذهن و شک و تردید و شبهه و خرافات از ذهن و فکر انسان است.
**ج) طهارت در بعد اخلاقی** که مربوط به بهداشت روح و روان است و به معنای برطرف کردن صفات زریله مانند: کبر، کینه، سوء ظن، بخل، حسد و… از وجود انسان است.

فقهی‌های علمای در رساله‌های توضیح‌المسائل می‌فرمایند: نجس کردن مسجد و فرش‌های آن و بدن و لباس و مکان یک انسان با ایمان که

## فقه‌ها می‌گویند: در صورتی که پزشک همجنس برای بیماران وجود دارد و ضرورت علاج و درمان با مراجعه به پزشک همجنس بر طرف می‌شود، عهده‌داری و پذیرفتن درمان توسط پزشک غیر همجنس جایز نیست، همان‌گونه که مراجعه بیمار غیر همجنس به پزشک غیر همجنس جایز نیست.

محیط زیست و حتی بهداشت مربوط به نگهداری حیوانات می‌باشد.

**ب) نظافت و بهداشت اعتقادی و فکری** شامل زودن ذهن و شک و تردید و شبهه و خرافات از ذهن و فکر انسان است.

**ج) طهارت در بعد اخلاقی** که مربوط به بهداشت روح و روان است و به معنای برطرف کردن صفات زریله مانند: کبر، کینه، سوء ظن، بخل، حسد و… از وجود انسان است.

**۲. دستورات عمل‌های بهداشتی اسلام** ثابت و مستحکم شیوع بیماری به خصوص بیماری‌های

ایدیمی و عمومی، رعایت طهارت و بهداشت فقهی

اگر اسلام یک دین ثابت و کامل است، پس چرا مراجع با هم اختلاف دارند؟

سخن از عوامل اختلاف آرای فقهی و گستره آن با همه تنوعی که دارد فقط در محدوده‌های کوچک اسلام در آموزه‌های دینی اسلام است. زیرا آموزه‌های دین اسلام در تقسیم‌بندی کلی به سه دسته اعتقادات، آموزه‌های اخلاقی و احکام فقهی تقسیم می‌شود و با توجه به اینکه آرای مراجع تقلید تنها در احکام فقهی محل رجوع و تقلید است و با عنایت به اینکه نظرات ایشان تنها در بخشی از احکام تفاوت دارد، نمی‌توان اختلاف‌نظر را موجب ناپ ثبوت دین دانست. زیرا از یک‌سو دستور واقعی اسلام در هر مورد یک حکم بیشتر نیست و به همین خاطر تنها یکی از چند نظریه در هر مسئله، دستور واقعی اسلام است؛ از سوی دیگر تفاوت نظرات فقها به مقداری نیست که چند شریعت متفاوت پیش روی مؤمنان باشد. برای توضیح و فهم این نکته توجه به مطالب زیر ضرورت دارد:

## فقیه ابتدائی کوشد با تحصیل علوم مربوطه و تخصص در آنها حکم خدا را از قرآن و سنت استخراج کند؛ ولی اگر روایتی پیدا نکرد، می کوشد با طریق عقل رایی برای خود و مقلدان پیدا کند؛ از این رو قسمت اعظمی از آنچه در رساله‌های عملیه وجود دارد از قرآن و سنت استخراج شده و بر مبنای روایات معصومان است.

**منابع استنباط احکام فقهی**

در دوران غیبت امام عصر(عج) برای فهمیدن احکام فقهی استنباط تنها چهار منبع وجود دارد:
۱. کتاب خدا (قرآن کریم)
۲. احادیث معصومان یعنی سنت نبوی اکرم و ائمه اطهار
۳. عقل
۴. اجماع.

بسیاری از دلایل موجود در قرآن کلی بوده و جزئیات آنها بیان نشده‌اند مثلا تعداد رکعت نماز، پیامبر و ائمه اقراران را تفسیر و مسائل آن را روشن کرده و جزئیات آنها را بیان کرده‌اند. اکثریت این تبیین، از طریق روایات به ما می‌رسد. هر فقیه خود را پیرو قرآن کریم و سنت و منابع دینی می‌داند و فقط آنچه از این منابع دریافت و برداشت می‌کند، معتقد است اعمال می‌دارد.

با توجه به پابندیی شدید فقیهان اسلام به پیروی از منابع و دلایل شرعی می‌توان دریافت که اختلاف فتاوی فقیهان درون هر مذهب، با فقیهان مذاهب گوناگون، معلول عوامل فنی است که سبب می‌شود مجتهدان هنگام استنباط احکام از منابع شرعی و اختلاف نظر در اصول و قواعد گوناگون اجتهاد و استنباط، دچار اختلاف فهم و اختلاف فتوا شوند.

مسلم شد کتاب خدا بدون هیچ کم و کاستی و اضافهای (بدون تحریف) به اتفاق نظر اکثر قریب به اتفاق جمیع علمای اهل سنت و شیعه در دست ماست. از این‌رو یکی منبع اساسی بسیاری احکام خداست، پس قرآن منبع معیار مناسبی است. سنجش سخنان علما و حتی روایات معصومان باشد، که اگر مخالف قرآن گفته شد، کنار گذاشته شود. اما بسیاری از فقهای موجود در قرآن آمده است، که در بیان جزئیات آن را روشن کرده است. «کتابت رعایت آن بسیار است»
امر به «صله» شده ولی خواندن آن و تعداد رکعات بیان نشده؛ از در قرآن موجود در احکام آمده است: «کتابت آنچه چه چیزهای تلقی می‌گردد، سخنی به میان نیامده و امتثال این دستورات را همگی کفایت می‌هستند، در قرآن کریم بسیار است. حال بر خدا لازم است برای قرآن و تفسیر قرآن در حد که تمام مسائل آن را روشن کند و جزئیات آنها را بیان کند. خاندان پیغمبر کریم و پس از ایشان جانشینان برحقش، ائمه اطهار را برای

## معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

# اهمیت بهداشت و درمان در اسلام

**مجید فولادی**

که در سوگندنامه پزشکی هم به آن اشاره شده است، به تعهدات دیگری نیز که در قالب احکام شرعی مطرح شده پایبند است. گاهی اوقات بر اثر جهل به مسائل شرعی، بین بیمار و کادر درمان تصورات غلطی به وجود آمده است که لازم است برای برطرف شدن آن دستورات و مسائل شرعی مراجعه کرد.

موارد عادی، احتیاج به لمس بدن بیمار باشد لازم است از دستکش استفاده کند یا لمس از روی لباس باشد و جایز نیست پرستار یا پزشک به بدن بیمار غیر همجنس دست بزند.

یکی دیگر از تصورات غلط در حوزه درمان رفع تکلیف شرعی هنگام بیماری است. گاهی اوقات پزشک گمان می‌کند می‌تواند تکلیف شرعی بیماران را تعطیل کند، به عنوان مثال تکلیف نماز واجب را بردارد یا توصیه به کار حرام بکند.

در برخی مواقع بیمار گمان می‌کند چون پزشک به او توصیه کرده روزه نگیرد تا آخر عمر تکلیف روزه را از خود بر می‌دارد. نظر پزشک معالج به تنهایی مجوز افطار روزه نمی‌باشد. در چنین مواردی مراجعه به عالمان دین لازم است، چرا که احکام اسلام تعطیل بردار نیست بلکه در شرایط خاص و شرایط حاد، احکام دین تخفیف یا تبدیل به احکام دیگری می‌شود.

## بدن و لباس و مکان یک انسان باایمان که روزی چند نوبت در برابر خداوند متعال برای عبادت می‌ایستد، باید از هر نوع نجاست و آلودگی پاک بانسند، همچنان‌که روح معنوی و باطن او نیز از نجاست‌های باطنی با انجام غسل پاک می‌شود. خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های یک فرد باایمان نیز از خبثات‌ها و نجاست‌های ظاهری و باطنی پاک است و دو ویژگی مهم حلال و طیب را نیز دارد.

به عنوان مثال نماز ایستاده تبدیل به نماز نشسته یا خواندن نماز به صورت خوابیده هر روی تخت بیماری می‌شود یا وضو و غسل تبدیل به تیمم می‌شود و در مواردی مثل روزه یقین خود بیمار به ضرر داشتن روزه ملاک است نه فقط گفته پزشک.

یکی از مهم‌ترین و حساسترین وظایف کادر درمان، مسئله مسئولیت و ضمان پزشکی در حفظ جان بیماران است. حفظ جان انسان از اهم واجبات است و خداوند متعال در قرآن، سوره مائده، آیه ۳۲، می‌فرماید:حفظ جان یک نفر برابری می‌کند با نجات جان تمام مردم روی زمین. همان‌گونه که به خاطر نااختن جان یک نفر برابری می‌کند با قتل تمام مردم روی زمین. درخصوص خطاهای پزشکی، فقه‌های عظام در رساله‌های توضیح‌المسائل مسئله ۲۲۰۵ می‌فرمایند: اگر پزشک دارویی را به اشتباه به بیمار بدهد و بیمار دچار جاز یا فوت شود، پزشک ضامن است. حضرت امام خمینی(ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: اگر پزشک از لحاظ علمی کوتاهی کرد، یعنی تخصص لازم را نداشته و یا در معالجه بیمار، از نظر عملی کوتاهی‌اشدت و ضرری متوجه بیمار شود، ضامن خواهد بود، هر چند با اجازه بیمار یا اولیای بیمار اقدام به معالجه کرده باشند. (تحریر الوسیله، ج۲، صفحه ۵۶۰)

از: **حوزه نیوز**

یکی از مسائل مهم در امر درمان توجه به مسئله محرم و نامحرم است.گاهی اوقات بیمار گمان می‌کند که به دلیل بیماری و مراجعه به بیمارستان هیچ الزامی به رعایت حجاب و مسائل مربوط به محرم و نامحرم نیست، یا اینکه پزشک باپرستار گمان می‌کند در مسئله معاینه و معالجه هیچ الزامی به رعایت حریم محرم و نامحرم نیست.

یکی از مسائل شرعی در امر درمان مراجعه به پزشک همجنس است، یعنی در شرایط عادی بیمار مرد به پزشک مرد و بیمار زن به پزشک زن مراجعه کند.

فقه‌ها می‌گویند: در صورتی که پزشک همجنس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌مفسد کی‌ا‌له) فرمودند:العلم غیر همجنس جایز نیست، همان‌گونه که مراجعه بیمار غیر همجنس به پزشک غیرهمجنس جایز نیست.

فقه‌ها می‌فرمایند: معاینه لمس و نظر توسط پزشک همجنس باید صورت‌گیرد، مگر در زمانی که پزشک همجنس نباشد و درمان بیمار ضرورت داشته باشد. در این مواقع هم باید به حد اقل‌های لمس و نظر نکاتفکرم‌همچنین‌اگربرای‌پرستار‌غیرهمجنس هنگام گرفتن نبض یا فشار خون یا موارد دیگر در

اما پروتکل‌های بهداشتی غرب بر اساس آزمون و خطاست و هر از گاهی تغییر می‌کند.

۳. دستوراتعمل‌های بهداشتی اسلام سابقه و

تقویت سیستم ایمنی بدن دارد، باعث پیشگیری ثانویه از بروز بیماری می‌شودو هنگامی که انسان دچار بیماری می‌شود، مجموعه طهارت و بهداشت و پاکیزگی و نظافت جسمی، روحی و روانی باعث بهبودی سریع‌تر و کامل‌تر بیماری خواهد شد.

که در احکام اسلام به آن اشاره شده است، باعث پیشگیری اولیه از بروز بیماری خواهد شد و انجام عبادات، دعا، توسل و زیارت‌ها که نقش مهمی در تقویت سیستم ایمنی بدن دارد، باعث پیشگیری ثانویه از بروز بیماری می‌شودو هنگامی که انسان دچار بیماری می‌شود، مجموعه طهارت و بهداشت و پاکیزگی و نظافت جسمی، روحی و روانی باعث بهبودی سریع‌تر و کامل‌تر بیماری خواهد شد.

**عظمت دستورالعمل‌های بهداشتی اسلام**

با نگاهی به طهارت و بهداشت اسلامی نرم‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌مفسد کی‌ا‌له) بسیار کامل‌تر و پیشرفته‌تر از پروتکل‌های بهداشتی غربی است که برخی از امتیازات و ویژگی‌های دستورالعمل‌های بهداشتی اسلام عبارتند از:

۱. احکام و مسائل بهداشتی اسلام متصل به منبع وحی الهی و برگرفته از آیات قرآن و روایات چهارده معصوم(ع) است.
۲. دستوراتعمل‌های بهداشتی اسلام ثابت و مستحکم شیوع بیماری به خصوص بیماری‌های عمومی، رعایت طهارت و بهداشت فقهی

ایدیمی و عمومی، رعایت طهارت و بهداشت فقهی

## شریعت واقعی اسلام و احکام و تکالیف و قوانین حیات‌بخشی که خداوند بر رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) نازل کرده، یکی بیش نیست و اگر اختلافی در احکام فقهی و فتاوی فقیهان دیده می‌شود، ناشی از اختلاف برداشت آنان از منابع فقهی شریعت است.

در روایات ما بیان شده وظیفه امامان معصوم(ع) بیان اصول و قواعد کلی است که فقها بتوانند با استنباط از فتاوی کلی سولات جزئی را پاسخ دهند مثلا از امام صادق(ع)روایت شده: **أَمَّا عَلَيْنَا أَنْ نَقْفِي لِكُلِّ أَصُولٍ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تَقْرَءُوا**<sup>(۱)</sup> وظیفه ما فقط بیان اصول و ریشه‌ها و وظیفه شما تفریع و بیان جزئیات است. بر همین اساس معصومان حتی در زمان حضور، عده‌ای رسیده و بر اساس آن فتاوی خود را در هر مسئله مشخص کنند و بر پایه آن عمل کرده و رأی و نظر خود را رایج به حکم شرعی هر موضوع برای دیگران ارائه دهند.

**شبه پاسخگوی معصومان**

**به مسائل و سولات مردم**
در عصر حضور پیامبر و امامان زمان، مردم مسائل شرعی را مستقیماً از آنها می‌پرسیدند

و جواب می‌گرفتند. جمعیت مسلمانان نیز به اندازه‌ای بود که مراجعه به پیامبر و امامان است مقدر بود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پاسخ را اگر بود، از قرآن می‌فرومد ولی اگر حکمی نبود، سخنان روایات معصومان را به دست آورد، سپس با تشخیص آن، طبق روایات معصیان فتوا دهد؛ حال اگر مسئله جدیدی پیش آید که در قرآن و سنت نباشد، از دیگر منبع فتوا یعنی عقل بهره می‌گیرد که باز با تحصیل مقدمات و علوم این رشته که عبارت است از: «اصول الفقه» امکان‌پذیر است.

۲. با استفاده از سیره پیامبر و سخنان حضرت امیرمؤمنان از همه آنها آگاهی کامل داشت.

۳. در برخی امور که حکمی نبود، با کمک عقل استنباط و اعلام می‌کرد. این مورد در تمام امامان رایج بوده و ائمه، محل مراجعه مردم بودند و همگان مستقیماً از آنها پیروی می‌کردند.

در همین دوران برخی از مسلمانان با حضور در محضر معصومان و اعلام نظر ایشان را بر گرفته و به دیگران اطلاع می‌دادند. در هر صورت تا آغاز دوره غیبت

موجود است.

۲. دوره فقه استنباطی: در این دوره مسائلی که سلباقه ندارد و در مورد آن پایه یا روایتی وجود ندارد، با استفاده از توانایی‌های علمی و ذهنی قائل، براساس اصول کلی و روایات، حکم کلی دارد، پاسخ داده می‌شود. اجتهاد، فقها راهگشایی می‌کند و سرگردانی را از متخلف حکم دین از بین می‌برد.

**دلایل اختلاف فتوا**

حکم الهی نسبت به هر موضوع یکی بیش نیست. می‌دانیم شریعت واقعی اسلام و احکام و قوانین حیات‌بخشی که خداوند بر رسول گرامی اسلام، حضرت محمد(ص) نازل کرده، یکی بیش نیست و اگر اختلافی در احکام فقهی و فتاوی فقهی دیده می‌شود، ناشی از اختلاف برداشت آنان از منابع فقهی شریعت است.

سخن از عوامل اختلاف آرای فقهی و گستره آن با همه تنوعی که دارد فقط در محدوده اندکی از فقه و شریعت کامل اسلام است و فقه‌های مذاهب اسلامی در اکثر مسائل فقهی اتفاق نظر دارند. کلیات تمام ابواب فقهی مانند: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، انواع معاملات و قراردادهای اجتماعی و خانوادگی و نیز بسیاری از عناصر و احکام و شرایط اصلی هر کدام مانند: ارکان نماز، تکبیر، نیت، قرائت، رکوع، سجود، تشهد، سلام و شرایط نماز طهارت و قبله و مانند آنها و نیز تمام احکامی که صریح آیات

صفحه ۷

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲

۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ – شماره ۳۳۴۵

## چراغ راه



**ریاست، اهلیت و صلاحیت می‌طلبد**

**قال النبی(ص): «ان الرئاسه لا تصلح الا لاهلها».**

پیامبر گرامی(ص) فرمود: کسی برای مقام و ریاست جز اهلس صلاحیت ندارد!<sup>(۱)</sup>

۱- اختصاص، شیخ مفید، ص ۲۵۱

## حکایت خوبان



**نفی رفتار تبعیض آمیز و قبیله‌گرایی**
امام علی(ع) در نامه‌ای تویب‌آمیز «صقله ابن هبیره شیبانی» فرمادند: یکی از شهرهای استان فارس را مخاطب قرار داد و رفتار تبعیض آمیز و ناعادلانه او را این‌گونه نکوهش کرد:از تو به من گزارش دادماند که اگر چنان باشد که گفته‌اند، خدایت را به خشم آورده و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای؛ من خبر رسیده که تو غنیمت مسلمانان را به خویشانان و دوستانت که تو را برگزیده‌اند، می‌بخشی. سوگند به خدایی که دل‌ه را شکافت و موجودات را آفرید؛ اگر این گزارش صحیح باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو کاهش یافته است!<sup>(۱)</sup>

۱- پنج‌بلاغه- نامه ۴۳

## پرسش و پاسخ

## شبهه عزت یا ذلت مؤمنین

خداوند متعال در قرآن کریم، از یک سو مؤمنینی که در جنگ بدر شرکت کرده بودند را ذلیل معرفی کرده اما از طرف دیگر در آیاتی، مؤمنین را دارای عزت و عظمت دانسته، آیا این دو دسته آیات و مواضع متفوت قرآنی موهم تعارض و تناقض نیست؟

**آیات موهم تعارض**
خداوند متعال از یک سو در جنگ بدر مؤمنین را ذلیل معرفی کرده و می‌فرماید: «لقد نصرکم الله یبدر و ائتم انزل» و یقیناً شما را خدا در جنگ بدر با آنکه ناتوان بودید یاری کرد. (آل عمران- ۱۱۳) که نشان از ضعف و ناتوانی و ذلت مؤمنین دارد. اما از طرف دیگر در آیات دیگر می‌فرماید: «ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین» و عزت از آن خدا و از آن پیامبر(ص) است و این مؤمنان است. (مناققون- ۸) که این آیه شریفه بیانگر آن است که مؤمنین دارای عزت و مسربلندی هستند نه ذلت و خواری، یا ایمان این دو دسته آیات و مواضع مختلف قرآنی تعارض و تناقضی وجود دارد؟

**پاسخ‌شبهه**
در مورد کلمه اذله در آیه اول که منشأ این شبهه شده است باید گفت: این واژه به معنای خواری و پستی نیست، بلکه یا به معنی کمبود نیروی انسانی مؤمنان در جنگ بدر است، یا به معنای کمبود ساز و برگ جنگی و تدارکات می‌باشد. لذا طرح این شبهه از ریشه و اساس باطل است، چرا که کمبود نیرو، و یا ابزار جنگی، دالتل بر خواری و ذلت آن شخص یا گروه نمی‌کند، بلکه منظور ضعف و ناتوانی در قدرت و مقاومت در برابر قدرت برتر دشمنان می‌باشد. که از شأن نزول آیه شریفه هم این مطلب استنباط می‌شود که تعداد مسلمانان در جنگ بدر حدود ۳۱۲ نفر بوده، تنها یک اسب داشتند و اکثر آنها نیز پیاده بودند، در حالی که کفار حدود ۱۰۰۰ نفر جنگجو با ۱۰۰ اسب بودند و تجهیزات کاملی را نیز داشتند. بنابراین از ظاهر سیاق آیه شریفه هم برمی‌آید که به دنبال آیه: «ان هذمتوا فلیتواک الملکم و تفشلا و الله ولئیمها و علی الله فلیتواک المؤمنون» هنگامی که دو گروه از شما بر آن شدند که سنتی ورزند، با آنکه خدا یاورشان بود، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند (آل عمران- ۱۶۲) خدای متعال در مقام بیان تمک و اعتماد به مسلمانان در جنگ بدر است. اما بعد از پیغام غیبی شامل حال آنها شد، با وجود اینکه کفار تعدادشان بیش از مسلمانان بود و نظر عده وعده و تجهیزات نیز از مسلمانان مجزیزتر بودند، با این حال پیروزی از آن مسلمانان شد. لذا لازمه این امداد الهی شکرگزاری، عدم سواستفاده و مغرور نشدن مسلمانان است.

به عبارت دیگر مفهوم آیه شریفه آن است که شما از نظر امکانات و تجهیزات جنگی در ضعف و سستی قرار داشتید، ولی خداوند شما را یاری کرد. این مطلب را خدای متعال در آیات دیگر نیز به مسلمانان یادآور شده و می‌فرماید: «ان نصرنا الله ینصرکم و ینتص لکم» ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ اگر دین خدا را یاری کنید، خدا هم کمکتان می‌کند و قدم‌هایتان را محکم می‌سازد. (محمد- ۷) بنابراین شبهه مطرح شده در آیه، هیچ ارتباطی به عزت و سربلندی مؤمنین و مسلمانان که از جانب خدای متعال به آنان عطا شده ندارد، و خداوند در جایگاه خودش فرموده: «ولقد کرمتنا بنی آدم و…» به هر زسانی که مافزندان بنی‌ادم را گرامی داشتیم. (اسراء- ۷۰) در جای دیگری می‌فرماید: ان کریمک عبدالله اتیکم» همانا با ارزش‌ترین شما نزد خداوند، با تقوایین شما است. (حجرات- ۱۱۳) لذا نه تنها مؤمنین و با تقوایین، بلکه نوع انسان نیز نزد خدای متعال صاحب کرامت عزت بوده و به تعبیر دیگر، انسان گل سرسبد موجودات عالم است. از این جهت هیچ‌گاه در قرآن کریم مورد مذمت و یا خواری و زبونی قرار نگرفته، مگر زمانی که انسان با انتخاب خودش را مخالف هدایت الهی و انحراف از صراط مستقیم را برگزیند که در این صورت مصداق سسرتزن و خواری را پیدا خواهد کرد. بنابراین هیچ‌گونه تعارض و تناقضی میان آیات مطرح شده در این شبهه وجود ندارد.

## سلوک عارفانه

## لزوم بهره‌برداری از علم افاضی

در کنار علم عقلی پیغمبر(ص) فرمود: اگر کسی موفق شد، چهل شانه‌وز هوا و کوری را به کلی مرخص کند و در این چهل شانه‌وز، جز برای خدا هوس نکند، و جز برای او زنده نباشد، چشمه‌های معرفت و حکمت در درونش می‌جوشد و بر زینش جاری می‌شود. پس معلوم می‌شود که اسلام، علمی را که به آن «علم افاضی» می‌گویند (یعنی علمی که از درون می‌جوشد) قبول دارد. ضمن اینکه علم عقلی را قبول دارد و به سوسوی آن عودت می‌کند، ایسن نزد او هم قبول دارد، به موسی(ع) می‌فرماید: ما کی بنده‌ای داریم، عزم او می‌رود و از او علم ما می‌آموزی «علمانه من اندنا علم ما به آن بنده از من خودمان علم» دادیم (کهف- ۶۵) یعنی او علمش را از یک بشر نیاموخته، از درون و باطنش علمی را جوشانده‌ایم.<sup>(۱)</sup>

۱- کمال انسان و انسان کامل. شهید مرتضی مطهری(ره)، ج۳، ک ۳۰، بی‌نش مطهر، ص ۵۲

## صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

**تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱**

**Maarefkayhan@Kayhan.ir**